

شماره اول، تابستان ۹۸
قیمت ۲۵۰۰ تومان

نشریه انجمن علمی تاریخ فرهنگ و
تمدن ملل اسلام دانشگاه الزهراء (س)

پژواک (نقش)

در این شماره می خوانید:

بررسی شخصیت و تفکر امام علی (ع)



پژواک (نشا)

نشریه انجمن علمی تاریخ فرهنگ و تمدن
ملل اسلامی دانشگاه الزهراء (س)
سال اول، شماره اول، تابستان ۹۸

صاحب امتیاز: انجمن علمی تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی

مدیر مسئول: زهرا اینانلو
سردبیر: زهرا حبیبی

**هیئت تحریریه: زهرا حبیبی، فاطمه مهری پریزاد، شقایق لواجو،
زهرا اینانلو، ربیحه پرویزی**

ویراستار: زهرا حبیبی
مشاور فرهنگی: دکتر فریبا پات

طراح و صفحه‌آرا: علیمرتضی عینی

شماره تماس مدیر مسئول: ۰۹۱۰۴۲۳۷۹۱
ایمیل مجله: pezhvakmagazine@gmail.com
ایمیل مدیر مسئول: Zahra.inanloo.1377@gmail.com

دانشگاه الزهراء

سخن سردبیر / ۲

دلنوشته / ۳

آیا می‌دانید که / ۴

معرفی کتاب (علی از زبان علی) / ۶

معرفی کتاب (نام علی در معماری اسلامی ایران با تکیه بر

خط بنایی) / ۷

گزارش پایان‌نامه (امام علی و برخورد با زنان) / ۸

ابوالاسود دثلی و علی(ع) / ۱۰

معرفی شهر نجف / ۱۲

خطبه زوراء (پیشگویی حضرت علی(ع) از حمله مغول) / ۱۵

مصاحبه با آقای دکتر اصغر قائدان، عضو هیئت علمی

دانشکده الهیات تهران / ۱۶

گزارش فیلم (نگاهی به سریال خاری در گلو با تکیه بر جنگ

صفین) / ۱۸

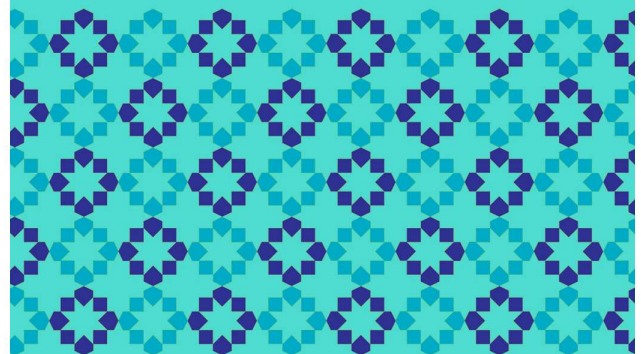
گزارش سخنرانی آقای دکتر شهرام صحرایی با موضوع قیام‌های

شیعی / ۲۱

گزارش سخنرانی خانم دکتر فروزان راسخی با موضوع بررسی

ریشه‌های زن‌ستیزی در تاریخ / ۲۲

راهنمای تدوین / ۳۴



سخن سردییر

"عل آشکار ترین حقیقت و مترقی ترین مکتب است که در شکل یک موجود انسانی تجسم یافته است."
(عل شریعتی)

تقلید شمار زیادی از مردمان بعد از خودش قرار گرفت. ما نیز با توجه به تطابق زمانی جمع‌آوری مطالب این نوشتار با ماه مبارک رمضان و همچنین ایام سوزناک شهادت امام علی (ع)، کم لطفی دانستیم موضوع این شماره از نشریه را به مطالبی دیگر اختصاص دهیم، تا از این طریق دست کم اندکی از دین خود را به آن حضرت ادا کنیم؛ چراکه اعمال، رفتار و سخنان ایشان پیوسته همچون چراغی پر فروغ، روشنگر راه زندگیمان بوده است.

در نشریه حاضر سعی مان بر آن است، کمی فراتر از مسائل سیاسی آن زمان گام نهیم و نگاهی اندازیم به موضوعاتی که تاکنون کمتر به آن‌ها توجه شده است. بنابراین به ذکر مسائل و مباحثی پرداختیم که احتمال دارد به دلیل حجم زیاد مطالب از دید خوانندگان مخفی مانده باشد؛ موضوعاتی که با بررسی‌های بیشتر، جوانب و نقطه نظرات جدیدی را حول محور مسائل مطرح شده پیش روی مان قرار می‌دهد.

همچنین باید افزود به یک سری دلایل که مطرح کردن آنها زمان و فرصتی طولانی می‌طلبد، نام پیشین نشریه "تفتا" به نام "پژواک" تغییر یافت و از این پس تمامی فعالیت‌های نشریه با این اسم، منتشر خواهد شد؛ و از همه دوستانی که علاقه‌مند به همکاری و چاپ مطالب خود هستند، خواستاریم تا پس از مراجعه و خواندن قسمت "راهنمای تدوین و نگارش"، مطالب خود را برای ما ارسال کنند.

در پایان شایسته است تشکر ویژه‌ای کنیم از شما خواننده گرامی و از همه عزیزانی که در تهیه این نوشتار به راهنمایی و یاری‌مان همت گماشتند.

با آرزوی موفقیت و شادکامی

زهرا حبیبی

سلامی به زیبایی شکوفه‌های بهاری و به وسعت دریای موج و خروشان. پس از مدتی تاخیر، مفتخریم که راه‌اندازی مجدد نشریه را به اطلاع شما فرهیختگان و دانش‌دوستان برسانیم؛ و نیز سپاس‌گزاریم یزدان پاک را که این فرصت را برایمان فراهم نمود تا به بهانه‌ی آن در خدمت شما عزیزان باشیم و محفلی گرم را برای بحث و گفت و گو پیرامون موضوعات موجود در تاریخ به وجود آوریم.

مباحث و مسائل موجود در تاریخ پیوسته در ترازوی نقد، تحلیل و بررسی مورخان و اندیشمندان قرار دارند که این امر بروز دیدگاه‌ها و نظریه‌های متنوع را حول موضوعات مختلف تاریخی رقم می‌زند. یکی از ویژگی‌های تاریخ، بیان شرح‌حال افراد و ماجرابی بودن آن است که سبب می‌شود خواننده حین مطالعه، با شخصیت‌های عصرهای مختلف نیز آشنا شود. افرادی که گاه در ذهن مخاطب به عنوان قهرمان و یا ضد قهرمان تجلی می‌یابند، و خواننده تحت تاثیر اخلاق، رفتار و منش آنها قرار گرفته و نسبت به دانستن اطلاعات بیشتری در باب آن فرد کنجکاو می‌شود. بنابراین انسان برای پاسخگویی به این حس ماجراجویانه‌ی خود به تحقیق، کاوش و جست و جو در منابع و کتب مختلف دست می‌زند و ردپای شخصیت مورد نظرش را در آنها دنبال می‌کند.

یکی از شخصیت‌های مطرح تاریخ که مباحث وسیعی را به خود اختصاص داده حضرت علی (ع)، نخستین امام شیعیان است. کسی که پس از اسلام نقش قابل توجهی در حوادث و وقایع آن زمان ایفا نمودند و شجاعت و دلاوری‌هایشان همواره به عنوان نمادی برجسته مورد



فاطمه مهری پریزاد

دلنوشته: غریب

دورتو، پر نورتر و غریبتر
 غریبتر از تمام ستاره‌ها بودی
 از همان شبی که ستاره‌ات در آسمان دنیا درخشیدن
 گرفت، می‌شد فهمید که از جنس دنیا نیستی
 غربتت زمانه را وسوسه کرد تا تو را سخت بیازماید
 قرار شد تو تصویر انسانیت بر روی زمین باشی
 اما افسوس، افسوس که در روزگار تو جهالت بیداد می
 کرد و تو داد بودی
 و تاریخ گواهی می‌دهد که این دو هیچگاه در یک اقلیم
 نمی‌گنجد
 اما عزوجل بر تو منت نهاد و یار و یاور محمّد شدی
 آری محمّد
 راستی چه شد؟ بر تو چه گذشت؟
 بر تو چه گذشت آن دم که برترین مخلوق عالم را به
 دستان خاک می‌سپردی؟
 راستی گرد نسیان چه بی‌مهابا بر اذهان مردم تازید...
 محمد دیگر رفته بود، قلبت سنگین بود، اما نه، تو نباید
 می‌گریستی، تو باید غبار غم از دل حسنین می‌زدودی
 تو باید اشک چشمان فاطمه را می‌شستی
 آری فاطمه
 علی جان چه شد؟ بر تو چه گذشت؟
 بر تو چه گذشت آن دم که پاره تن پیامبر، امانت رسول را
 با پهلوی شکسته به دیدار پدرش رهسپار می‌کردی؟
 نمی‌فهمم این تناقض عجیب تاریخ را
 آخر نوای لافتی در احد کجا و نفرین تو در منابر کجا
 دیگر شب‌ها خو گرفته بودند به نوای قرآنت، کوجه‌ها
 عادت کرده بودند به طنین قدم‌هایت،
 بیتیمان کوفه فراموش کرده بودند بی‌پدریشان را، و چاه...
 آری راست می‌گویی، راست می‌گویی:
 "چه فاجعه ایست، چه فاجعه ایست آن دم که یک مرد
 می‌گرید."





آیا می‌دانید که ...



■ در اواخر ماه صفر همان سال میان آن دو خواند و حدود ده ماه طول کشید تا فاطمه(س) به خانه‌ی علی(ع) برود.

■ حضرت علی(ع)، در سال ۹ هجری مامور نوشتن صلح حدیبیه شد.

■ در دوران خلافت عمر و عثمان، علی(ع) در هیچ یک از جنگ‌های این دو خلیفه حضور نداشتند!

■ هنگامی که عثمان در محاصره‌ی شورشیان قرار گرفت و آنان آب را بر او بستند، تنها کسی که به یاری عثمان شتافت حضرت علی(ع) بود، وی حتی حسنین را برای محافظت از خانه عثمان گماشت؛ ولی در کمال تاسف و تأثر بعد مرگ عثمان، علی(ع) را به عنوان یکی از مضمونین به قتل معرفی کردند.

■ پس از مرگ عثمان هنگامی که مردم با علی(ع) بیعت کردند اسامه بن زید، سردار بزرگ اسلام در جنگ قادسیه و از جمله افراد نزدیک به پیامبر، از بیعت با آن حضرت خودداری کرد.

■ حضرت علی(ع) تمامی اراضی و اموالی را که پیش از او از بیت‌المال به اشراف داده شده بود، پس‌گرفت و به صاحبانشان بازگرداند.

■ جنگ جمل میان طلحه، زبیر، عایشه و علی(ع)، نخستین جنگ داخلی حکومت اسلامی به شمار می‌آید و با وجود آن که پایه و اساسی سیاسی داشت اما زمینه را برای موضع‌گیری‌های کلامی فراهم کرد.

■ منابع و کتب گوناگون، در ارتباط با ولادت علی(ع) اختلاف نظر دارند و هیچ کدام تاریخ واحد و مشخصی ارائه نمی‌دهند. به عنوان مثال؛ برخی روز به دنیا آمدن آن بزرگوار را سیزدهم و بیست و سوم رجب می‌دانند و عده‌ای دیگر اواسط ماه شعبان را زمان حقیقی ولادت تلقی می‌کنند. اختلاف نظر تنها به روز و ماه ختم نمی‌شود، بلکه در ارتباط با سال تولد هم نظرات فراوانی به چشم می‌خورد. در جایی گفته‌اند: ایشان بیست و نه و یا سی سال پس از عام‌الفیل چشم به جهان گشودند. باید خاطر نشان کرد که در آن زمان ابزاری برای ثبت و ضبط وقایع وجود نداشت، اما می‌توان نتیجه گرفت که چون پیامبر در سال عام‌الفیل به دنیا آمد و هنگام ولادت علی سی سال داشت، پس تولد علی(ع) به طور تقریبی ما بین سال‌های ۵۰۰ و ۶۰۰ میلادی بوده است.

■ در باب مکان دقیق تولد حضرت علی(ع) اتفاق نظر وجود ندارد. بعضی از شیعیان و گروهی از سنیان معتقدند که علی در خانه‌ی کعبه متولد شد؛ ولی شماری دیگر از سنیان این واقعه را نپذیرفته‌اند. مسعودی در جایی ذکر می‌کند: علی(ع)، در خانه‌ی کعبه چشم به جهان گشود؛ و مفید می‌گوید: پیش از علی(ع) و بعد از او کسی در خانه‌ی کعبه به دنیا نیامد.

■ در مورد روز دقیق جاری شدن خطبه عقد میان حضرت علی(ع) و فاطمه(س) تناقضاتی دیده می‌شود اما آنچه روشن است، این است که پیامبر حضرت فاطمه(س) را در روز اول ذی‌الحجه سال دوم هجری به سمت خانه‌ی علی(ع) رهسپار کرد. برخی منابع بر این باورند که: احتمالاً پیامبر خطبه عقد را





■ افرادی مثل سعد بن ابی وقاص و عبدالله بن عمر از شرکت در جنگ جمل و یاری یکی از طرفین دوری گزیدند، زیرا آنان بر این عقیده بودند که: پیکار میان طلحه، زبیر، عایشه و علی(ع)، اختلافی میان صحابه پیامبر است و این امر تشخیص حق از باطل را غیرممکن می‌سازد.

■ طی جنگ جمل مروان بن حکم به اسارت درآمد، از اینرو امام حسن(ع) و حسین(ع) نزد حضرت علی(ع) رفتند و با وساطت آن دو بزرگوار، امام راضی شد که مروان را آزاد کند. مروان بعدها حکومت بنی امیه را به دست گرفت.

■ در جریان تحکیم که طی جنگ صفین بر حضرت علی(ع) تحمیل شد، گروهی از زهدگرایان مصر بر سنت شیخین از آن پس نام‌های حروریه، شرات، خوارج و به طور دقیق‌تر محکمه گرفتند. آن‌ها با شعار "لا حکم الا الله" از امام علی(ع) دور شدند و راه خود را از هم‌هی مسلمانان جدا کردند و در حرورا اردو زدند.

■ امام علی(ع) به حرمت قتل خوارج پس از خودش حکم کرد، بدین گونه که فرمودند: "پس از من خوارج را نکشید، چون کسی که حق را بجوید و خطا کند، چنان کسی نیست که باطل را بجوید و آن را بیاورد."

■ حضرت علی(ع) از نخستین پایه‌گذاران حلقه‌های آموزشی در کوفه به شمار می‌آیند و سررشته‌ی بسیاری از علوم مسلمانان از جمله: نحو عربی، کلام، فقه، تفسیر و ... به ایشان نسبت داده شده است و فرقه‌های گوناگون تصوف سلسله سند خود را به او می‌رسانند.

■ به دلیل وجود اختلاف مابین فتوای صحابه پیامبر در مسائل فقهی، محمد بن ادریس شافعی اثری با عنوان اختلاف علی(ع) و ابن مسعود به نگارش درآورد؛ و در آن به بررسی تناقض آرای این دو فرد پرداخت.

■ اولین کسی که به طرح مسأله‌ی «ارجاء نخستین» همت گماشت، و به رد موضع‌گیری در باب اصل ایمان و کفر حضرت علی(ع) و عثمان پرداخت، یکی از نوادگان آن حضرت به نام حسن بن محمد حنفیه بود.

■ حضرت علی(ع) یادگیری نجوم را به طور گسترده مردود می‌شمردند، زیرا معتقد بودند: ممکن است پس از فراگیری نجوم در جهت پیش‌گویی از آن استفاده شود. از ایشان نقل است: "ای مردم از آموختن نجوم بپرهیزید مگر آن مقدار که با آن در دریا و خشکی راهتان را بیابید، زیرا فراگیری این علم به کهانت و پیش‌گویی می‌انجامد، و منجم مانند کاهن است و کاهن مانند ساحر می‌باشد و ساحر همچون کافر است و جایگاه کافر جهنم است."

■ در مورد درستی سلسله اسناد روایات نهج‌البلاغه تردید وجود دارد. برخی بر این باورند که: شماری از روایات، بعدها پس از درگذشت ایشان بر حسب شرایط زمانی و اجتماعی به نهج‌البلاغه اضافه شد. روایاتی که در آن زنان را با ویژگی‌هایی نظیر ناقص‌العقل، شرور، مکار و ... معرفی می‌کند، همگی جزو روایاتی هستند که سلسله سندشان منقطع است و با بررسی دقیق‌تر می‌توان دید که میان روایان فاصله وجود دارد، این فاصله‌ها از اعتبار و صحت روایات می‌کاهند.

■ امام علی(ع) در پاسخ واجب و واجب‌تر چیست؟ نزدیک و نزدیک و نزدیک‌تر کدامند؟ عجیب و عجیب‌تر چیست؟ سخت و سخت‌تر چیست؟ فرمودند: واجب اطاعت از الله و واجب‌تر از آن ترک گناه است. نزدیک قیامت و نزدیک‌تر از آن مرگ است. عجیب دنیا و عجیب‌تر از آن محبت دنیا است. سخت قبر است و سخت‌تر از آن دست خالی رفتن به قبر.



علی از زبان علی یا زندگانی امیر مومنان (ع)

"ستم مکن، چنانچه دوست نداری بر تو ستم رود و تو بیخ کن چنانچه دوست داری به تو بیخ کنند".

(از سخنان امام علی (ع) خطاب به فرزندان، امام حسن مجتبی)

حاکمان وقت قرار گرفت و شکایت‌ها و اعتراضات مردمی را در پی داشت. علی (ع) در همان آغاز حکومتش بذل و بخشش عثمان از بیت‌المال را مورد سرزنش قرار داد و در صدد بازگرداندن اموال مصرف شده به بیت‌المال گام برداشت. "به خدا اگر ببینم به مهر زنان یا بهای کنیزکان رفته باشد آن را باز می‌گردانم که در عدالت گشایش است و آنکه عدالت را بر نتابد ستم را سخت‌تر یابد". این جملات، ترس و رعب زیادی را ما بین افرادی که تا آن زمان به شیوه‌های مختلف از بیت‌المال بهره می‌جستند، پخش کرد؛ چرا که جدیت و قاطعیت آن حضرت را در برابر امور مملکتی به نمایش می‌گذاشت. از دیگر قسمت‌های این اثر که ذکر سخن امام بر جذابیت و گیرایی آن افزوده؛ بخشی است که امام برای گسترش عدالت در مقابل تقاضای طلحه و زبیر ایستادگی می‌کند و خطاب به آن دو می‌فرماید: "بیعت شما با من بی‌اندیشه و تدبیر نبود و کار من و شما یکسان نیست. من شما را برای خدا می‌خواهم و شما مرا برای خود. به اندک چیزی ناخشنودی نشان دادید و کارهای بسیاری را به عهده تاخیر نهادید." طلحه و زبیر از نخستین بیعت‌کنندگان با آن حضرت بودند آنان به سبب این امتیاز خواستار حاکمیت برخی مناطق شدند. ولی امام به سهل‌انگاری آن‌ها در برخی امور آگاهی داشت و آنان را مناسب مقام حاکمیت نمی‌دانست. درست است که غالباً اولین بیعت‌کنندگان، جایگاه ویژه‌ای نزد خلفا به دست می‌آوردند و تقریباً درخواست‌هایشان از جانب حاکمان پاسخ داده می‌شد؛ اما در نقل قولی که از علی (ع) ذکر شد، مشخص می‌شود که حقیقت و عدالت نزد امام جایگاه ویژه‌ای داشتند و ایشان پیوسته از توجه و غوطه‌ور شدن در روابط خانوادگی و دوستانه دوری می‌جستند.

کتاب دارای نثری روان و دلنشین و شامل ۲۸ بخش است. نویسنده ابتدا به معرفی خاندان امام علی (ع)، القاب متعدد، تاریخ و محل تولد آن حضرت اشاره می‌کند. سپس بدون تکلف و گزاره‌گویی به ذکر وقایع، حوادث و پیکارهای وی می‌پردازد. از جمله موضوعات جذاب و پرکششی که به طور مفصل در کتاب مطرح شده، چگونگی زمامداری حکومت در دستان خلفای راشدین و نحوه عملکرد امام در امور سیاسی است. باید افزود که گردآوری روایت‌های گوناگون از نحوه به شهادت رسیدن علی (ع) و اکتفا نکردن تنها به یک منبع، از نکات مثبت این اثر است که بر دید وسیع نویسنده و دوری‌گزیدن او از تعصب و جانبداری گواهی می‌دهد. بخش‌هایی از کتاب نیز به اندرزنامه آن حضرت به پسرش امام حسن مجتبی و وصیت‌نامه اش که خطاب به مالک اشتر بود، اختصاص دارد. تامل و درنگ در تک‌تک عبارات این دو نوشته، درس‌ها و نکات بسیاری را به خواننده عرضه می‌کند.

همچنین در لابه‌لای صفحات کتاب، گزیده‌ای از سخنان امام علی (ع) در خطبه‌های نهج‌البلاغه را می‌بینیم که مطابق با هر واقعه به ذکر آن‌ها همت گماشته شده است. یکی از بخش‌هایی که هنگام خواندن کتاب مورد توجه خواننده قرار می‌گیرد و با آوردن نقل قولی از امام به ساده‌تر شدن درک شرایط آن عصر منجر می‌شود، قسمتی است که اهمیت و سخت‌گیری علی (ع) را نسبت به اداره بیت‌المال بیان می‌کند. می‌توان گفت یکی از مشکلاتی که هنگام به خلافت رسیدن علی (ع) دامنگیر حکومت اسلامی شد، مساله‌ی بیت‌المال بود. بیت‌المال در دوران خلفای راشدین مورد دستبرد خویشان و نزدیکان

مرحوم سید جعفر شهیدی؛ مترجم، تاریخ نگار و پژوهشگر، در سال ۱۲۹۷ش در شهر بروجرد چشم به جهان گشود و در سال ۱۳۸۶ش از دنیا رفت. او دکترای زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران اخذ کرد و در آنجا از شاگردان علی اکبر دهخدا و بدیع الزمان فروزانفر بود. تحصیلات حوزوی را در حوزه‌های علمیه‌ی نجف و قم، زیر نظر اساتید بزرگی مانند آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله خویی به اتمام رسانید. پس از تاسیس موسسه لغت‌نامه دهخدا، شهیدی همکاری‌اش را در مقام معاون با این مرکز آغاز نمود و در کنار دکتر محمد معین مشغول به کار شد. از شهیدی حدود ۲۰ کتاب تالیف شده و ۴ اثر ترجمه شده به یادگار مانده است. در میان این آثار ارزشمند، ترجمه او از نهج‌البلاغه و کتاب تاریخ تحلیلی اسلام موفق به دریافت جایزه کتاب سال ایران شدند. در سال ۱۳۷۴ش، شهیدی منزل مسکونی‌اش واقع در نارمک تهران را به کتابخانه‌ای که حاوی ۳۰ هزار جلد کتب مختلف است، تبدیل کرد.





نام علی در معماری اسلامی ایران با روش خط بنایی



ترکیبات نام «علی» و روش‌های مثل آینه‌ای افقی، آینه‌ای عمودی و آینه‌ای محوری بیان شده‌اند. یکی از روش‌های جذاب نگارش نام «علی»، تکرار این اسم بر مبنای محوریت قرار دادن یکی از حروف است که به شرح ذیل می‌باشد: تکرار چهارگانه نام علی با مرکزیت حرف «ع»، تکرار چهارگانه نام علی با مرکزیت حرف «ل»، تکرار چهارگانه نام علی با مرکزیت حرف «ی» و تکرار چهارگانه نام علی با مرکزیت حروف «ل» و «ی».

در طراحی چهارگانه نام علی می‌توان از دو روش پیلی یا صلیب شکسته بهره جست. در روش اول، یک شکل پیلی در مرکز واقع شده و سپس یکی از حروف «ع»، «ل»، «ی» به آن پیوند می‌خورد؛ اما در روش دوم خود طرح پیلی به شکل چهار علی در می‌آید. بعد از این که روش مورد نظر برای تزئین این نام مشخص شد می‌توان طراحی را بر روی اشکال چهار ضلعی، پنج ضلعی، شش ضلعی و هشت ضلعی آغاز کرد.

روش‌های دیگر برای تزئین با نام علی (ع) متداخل، جدولی و ترکیبی هستند. در روش متداخل پس از نگارش نام علی، درون آن را اسماء پروردگار، آیه‌های قرآن و دعا فرا می‌گیرند. روش جدولی یا شیرازی، نوع خاصی از نگارش این نام است که در شهر شیراز متداول شد. و اما روش ترکیبی که در آن نام علی به نام الله و محمد وصل می‌شود.

در نهایت باید بگوییم همانطور که از نام کتاب پیداست، تکیه‌ی نویسنده بیشتر بر شرح و تبیین تزئینات مختلف با اسم علی است؛ اما در بخش پایانی تصاویری از تزئینات متعدد با اسم‌های فاطمه، حسن و حسین در بناهایی مثل مسجد حکیم، مسجد نصیرالملک، مدرسه شهید مطهری و ... نیز به چشم می‌خورد.

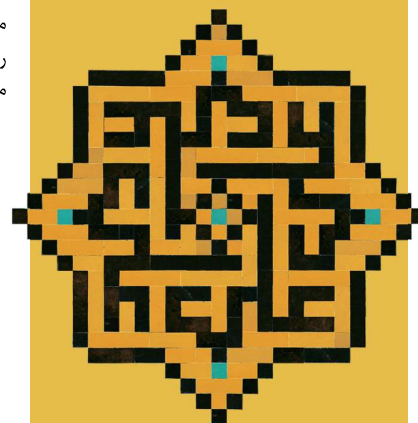
کتاب پیش رو از دوازده بخش تشکیل شده است. در این نوشتار، نویسنده سعی دارد چگونگی شکل‌گیری تزئینات مختلفی که با نام علی صورت گرفته را توضیح دهد. در واقع این اثر تزئینات موجود در ایوان، مناره، گنبد و شبستان بناهایی نظیر: مسجد جامع اصفهان، مدرسه چهارباغ، مسجد جامع یزد، مسجد امام سمنان، مسجد وکیل شیراز و ... بررسی می‌کند.

از ویژگی‌های مثبت کتاب این است که نویسنده هنگام توضیح نحوه‌ی طراحی تزئینات، برای فهم بهتر خواننده به آوردن تصاویر متعددی پرداخته است. به عقیده‌ی وی عشق و تمایل شدید مردم ایران به حضرت علی (ع) سبب بروز انواع مختلف این عناصر تزئینی شد. این تزئینات که به خط بنایی است بر روی بدنه‌ها، مقرنس‌ها، کاشی کاری‌ها، موزائیک‌ها و پوشش‌ها خودنمایی می‌کنند. در تعریف خط بنایی می‌توان گفت که به سه طریق نوشته می‌شود و از حرکت افقی و عمودی یک پاره خط به وجود می‌آید. این خط شباهت بسیاری به خط کوفی دارد و همانطور که از نام آن پیداست با اسم بنا و معمار آن پیوند می‌خورد. از خط بنایی برای نوشتن عناوینی نظیر: نام‌های پروردگار، پیامبر، ائمه، آیات قرآنی، روایت‌ها، عبارات دینی و گاهی اشعار استفاده می‌شود. همچنین سادگی و سهولت نگارش خط بنایی سبب شد که در اجزای مختلف ساختمان سازی مثل: کاشی، آجر، گچ، سنگ، سفال، چوب و ... قابل اجرا باشد.

نویسنده در ابتدای کتاب، نحوه‌ی نوشتن حروف «ع»، «ل»، «ی» را به طور مستقل و مجزا از هم بیان می‌کند؛ و سپس به ذکر روش‌های مختلف نگارش نام «علی» می‌پردازد. پس از بررسی این دو مورد، انواع

غلامحسین معماریان، مترجم، محقق، نویسنده، معمار و مورخ، در سال ۱۳۹۹ به دنیا آمد. او مدرک کارشناسی ارشد را از دانشگاه جنوآی ایتالیا اخذ کرد و دوران تحصیل دکترای خود را در دانشگاه منچستر انگلستان گذراند. از معماریان به عنوان یکی از احیا کنندگان خانه‌ی رسولیان یاد می‌شود. این خانه، در شهر یزد واقع شده و متعلق به دوران قاجار است. معماریان خانه‌ی رسولیان را تبدیل به دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه یزد، کرد. ایشان همچنین به تالیف و تدوین بیش از ده کتب در باب معماری همت گماشته است.

هنگامی که به آثار پیشینیان از جمله مساجد می‌نگریم به تزئینات گوناگون و زیبایی برمی‌خوریم که برخی اقتباس از ملت‌های دیگر و بعضی نشأت گرفته از بطن اسلام است. در این بین تزئیناتی که با نام علی (ع) در مساجد ایران وجود دارد، بسیار متنوع به نظر می‌رسند. این گستردگی و تنوع، در هر فردی این حس کنجکاوی را بیدار می‌کند که این اشکال هندسی به چه نحو و با چه اهدافی شکل گرفته‌اند.





امام علی و برخورد با زنان (گزارش پایان نامه)

چون لسان‌العرب ابن منظور و العین‌فراهدی، واژگان نقص، عقل و ایمان را مورد بررسی قرار می‌دهد. اهمیت واژه شناسی زمانی قابل درک است که بدانیم عدم توجه به زمان و فضای استعمال واژگان، به صدور حکمی کلی و عمومی منجر می‌شود. در ادامه مولف با بهره‌گیری از دو روایت یکی امتحان‌الاوصیا و دیگری روایت نقصان عقل از پیامبر و همچنین بررسی سند هر دو روایت، سعی در تفهیم واژگان و یافتن راهی به مقصود اصلی خطبه مذکور دارد.

فصل سوم، همانگونه که ذکر آن رفت، مبتنی بر تعامل مردان و زنان است. در یکی از بخش‌های اصلی این فصل به مساله فتنه انگیزی زنان اشاره شده است. نویسنده ابتدا دو روایت از امام علی در باب فتنه انگیزی زنان را می‌آورد: ۱. النساء اعظم الفتنین و ۲. الفتن ثلاث: حب النساء و هو سیف الشیطان و شرب الخمر و هو فح الشیطان و حب الدنیا و الدرهم و هو سهم الشیطان فمن احب النساء لا ینتفع بعیشة. و در ادامه به واژه‌شناسی فتنه و معنای لغوی آن (جنگ، امتحان و طلای گذاخته به منظور جداسازی ناخالصی آن) و همچنین به معنای آن با تمسک به آیه «انما اموالکم و اولادکم فتنه»، امتحان به وسیله فرزندان و مال را اشاره می‌کند. در بخش بررسی سند متذکر می‌شود که برخی راویان مجهول‌اند و همین موضوع صحت سند را مورد تردید قرار می‌دهد. در نقد متن نیز روایتی مشابه از پیامبر نقل می‌کند که فرمودند: «ما ترک بعدی فتنه اضر علی الرجال من النساء». که پر ضررترین فتنه در روزگار پس از خود را فتنه زنان می‌داند. مولف با توجه به معنای لغوی مذکور این فرضیه را مطرح می‌کند که منظور از فتنه، آزمایش مردان در مواجهه با زنان و رفتار انسانی با آن‌ها است.

فصل چهارم دربرگیرنده حقوق زن از منظر امام علی است؛ و یکی از موارد مورد بحث عدم وصیت به زنان است. روایت منتسب به ایشان چنین آمده است: به زنان وصیت نشود زیرا خداوند می‌فرماید ثروت‌ها را به سفیهان و نادانان نسپارید. مولف پس از بررسی واژه سفه به تفسیری از علامه طباطبایی استناد می‌کند که چون آیه در بحث از اموال ایتام

این دست آثار قرار می‌گیرد «نقد و بررسی (سند و متن) احادیث منسوب به امام علی علیه السلام در نکوهش زن» نام دارد که در قالب پایان نامه توسط سرکار خانم الهه حاتمی‌راد به رشته تحریر درآمده است. نویسنده اشاره می‌کند که با نگاهی بی‌طرفانه و با نقد و بررسی علمی-منطقی اینگونه احادیث (با مضمون نکوهش زن) درصدد است تا غبار شک و تردید از آن‌ها را بزداید.

ساختار پایان نامه

این پایان نامه در شش فصل تنظیم شده است و از آن جایی که دارای مشخصه «فقه الحدیثی» است، نگارنده لازم دیده که فصل نخست را به صورت مجزا بدان اختصاص دهد. در این فصل بنابر ضرورت، ابتدا به واژه شناسی نقد (نقد متن یا نقد داخلی و نقد سند یا نقد خارجی)، روایت و حدیث پرداخته است. در ادامه به دانش فقه الحدیث و اهمیت آن در فهم محتوای حدیث اشاره می‌کند. با مطالعه این بخش خواننده در می‌یابد که نقد متن حدیث به عنوان یکی از ارکان مهم این پژوهش، مبتنی بر چه معیارهایی است. مولف برای دستیابی این مهم، حدیث را در درجه اول بر قرآن، سنت و عقل و در درجات بعدی به حس، عقل، شهود و فنون بلاغت عرضه کرده است.

فصول دوم سوم و چهارم را می‌توان به عنوان بخش‌های اصلی پایان نامه تلقی کرد، فصل دوم، بیشتر به احادیثی که توصیف‌کننده ویژگی‌های فردی زن مانند ناقص العقل، ناقص الایمان، شر، گزنده و بی وفا است، می‌پردازد. فصل سوم، در برگزیده احادیثی است که به تعامل مردان و زنان اشاره دارد مانند: اجتناب از مشورت با زنان، پرهیز از اطاعت زنان و فتنه انگیزی و فصل چهارم شامل مواردی از قبیل نابرابری در ارث، شهادت زنان و وصیت نکردن به زنان است که بیشتر به حقوق زنان مربوط می‌شود. برای درک هر چه بهتر روش کار پژوهشگر بخش‌هایی را به عنوان نمونه از نظر می‌گذرانیم.

نویسنده در فصل دوم با ذکر خطبه ۸۰ نهج البلاغه به نقصان عقل، نقص ایمان و ناتوانی جسم و جان زنان اشاره می‌کند؛ و پس از بررسی مصادر نهج البلاغه نتیجه می‌گیرد که فراز نخست خطبه ۸۰، فاقد سند روایی قابل قبول است. سپس با استناد به کتب معتبر و کهنی

مساله زن، زن ستیزی و زن ستایی از جمله مقولاتی است که در دنیای امروز بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. شاید یکی از علل اصلی تمرکز بر این مبحث پر رنگ شدن حضور زنان در جامعه باشد. در واقع نمی‌توان کتمان کرد که در طول تاریخ زنان نقشی به مراتب کم‌رنگتر از مردان داشته‌اند و نام آنان کمتر در جریده تاریخ ثبت شده است. اما این به منزله عدم برخورداری آنان از شأن اجتماعی نیست؛ و این جرگه همانند قهرمانانی گمنام در لایه‌های تاریخ محو شده‌اند. در وضعیت کنونی و با در نظر گرفتن این حقیقت که در هیچ دوره‌ای جامعه به این اندازه پذیرای زنان نبوده است، برخی فرصت را مغتنم شمرده و همانند عناصری کارآمد به ایفای نقش در جامعه می‌پردازند؛ اما گروهی راه افراط پیموده و اسیر جریان‌های فمینیستی می‌شوند. این گونه افراد با تجسس در تاریخ و با تمسک به هر متنی، اعم از دینی و غیردینی سعی در به چالش کشیدن سیر طبیعی وقایع دارند. یکی از کتب دینی مهم که گاه غرض ورزانه آماج این گونه جریان‌ها قرار گرفته، نهج البلاغه و احادیث منتسب به امام علی (ع) است. به این ترتیب که برخی با بهره‌گیری از برخی گزاره‌های نهج البلاغه و برخی احادیث، در تلاش هستند تا ثابت کنند امام علی (ع) شخصیتی زن ستیز بوده است. البته هر خواننده‌ی آگاهی می‌داند که این اتهام با حساسیت ایشان نسبت به کرامت انسانی و عدالت همخوانی ندارد. سرآغاز گمراهی این گروه همان زمانی رقم می‌خورد که به دلیل ناآگاهی و عدم برخورداری از شعور تاریخی و بدون آن که خطوط قرمز و حدود تاریخ را بشناسند، به سراغ آن می‌روند. آنان این واقعیت را که بایستی در بررسی این الگوها و گزاره‌های دینی و تاریخی جانب احتیاط را رعایت کرد و آن‌ها را در فضا و زمان خود مورد بررسی قرار داد، نادیده می‌گیرند. متأسفانه این گروه نمی‌دانند که یکی از اشتباهات فاحش در باب متون تاریخی، استخراج آن‌ها از بستر تاریخی و تعمیم به زمان حال است. از این رو برخی پژوهشگران محور مطالعات خود را پاسخ‌گویی به این سوالات قرار داده‌اند و تا حدود زیادی موفق به تنقیح این گونه شبهات شده‌اند. یکی از پژوهش‌هایی که در زمره





آن چه آنان را به دام قطبی شدن مبتلا می‌سازد، تعصباتی است که از آن‌ها رهایی نیافته‌اند. آنان فراموش کرده‌اند که برای شروع مسیر پژوهش ابتدا لوازمی وجود دارد و یکی از آن‌ها کنار نهادن تعصبات است. این مسائل در تمامی عرصه‌ها جاریست؛ اما در بعد دینی بسیار خطرناک‌تر ظاهر می‌شود. چه بسا افرادی که با اندیشه‌ها و باورهای دینی در جامعه مذهبی رشد یافته‌اند اما لزومی به تثبیت این آموخته‌ها احساس نکرده‌اند و در مواجهه با شبهات به ظاهر متقن، به یکباره باورهایشان از هم گسسته است. در نتیجه ضروری است که هر شخصی در ابتدا تعصبات خود را کنار نهاده و در ادامه به مرور اندیشه‌های خود دست یازد و برای حفظ یا حذف آن‌ها دست به پژوهش بزند.

تا برای تثبیت اندیشه‌های خود تفکر و تحقیق کنند. در واقع در دنیای نوین که عمر مفید اطلاعات به یک دهه هم نمی‌رسد، بیگانگی با پژوهش می‌تواند ما را به تیه ضلال بکشاند. امروزه مسیر پژوهش نیز شدیداً با چالش مواجه است؛ چرا که ممکن است فردی در راستای آگاهی قدم در مسیر تحقیق بگذارد اما نتواند خود را از قطبی شدن مصون دارد. اگر فرد تنها به آموخته‌های پیشین خود بسنده کند و عنصری منفعل باشد، مناسب‌ترین شکار برای نخستین جریانی است که با مانیفست ویژه خود به افکار وی جهت می‌دهد و اصول مورد نظر خود را به ذهن او تزریق می‌کند. برخی نیز نه منفعل که پویا هستند و برای سوالات ذهنی خود به دنبال پاسخ می‌گردند؛ اما در این مسیر دچار لغزش می‌شوند و به عضویت یکی از جریان‌های فکری درآمده و به خدمت آن‌ها در می‌آیند.

آمده، مراد از سفها همان سفهاء از ایتم‌اند و مراد از اموالکم نیز اموال ایتمی است که به حد تمیز نرسیده‌اند یا نمی‌توانند از اموال خود محافظت کنند.

فصل‌های پنجم و ششم تکمله بخش‌های پیشین هستند. فصل پنجم با عنوان "گوناگون" آمده و بنابر گفته مولف حاوی موضوعات متنوعی است که تحت هیچ یک از فصول پیشین نمی‌گنجد اما ذکر آن‌ها ضروری می‌نماید. در این فصل به خلق و خوی اکتسابی و خانه نشینی زنان و مواردی از این دست پرداخته شده است. در فصل ششم نیز به تناسب از تفاوت‌ها و یکسانی‌های زن و مرد سخن رفته است و ابعاد شخصیتی آدمی اعم از بعد انسانی و الهی، بعد علمی و فرهنگی و در نهایت بعد اقتصادی به اجمال آمده است.

بنابر توضیحاتی که گذشت تا حدودی روش کار مولف روشن گردید. در واقع نویسنده ابتدا به تناسب و البته به اجمال در باب فقه الحدیث که نقش به‌سزایی در روند پژوهش وی دارد، سخن می‌راند. سپس بحث وارد فاز اصلی خود می‌شود و آن چه که در تمامی این فصول کلیدی جاریست این است که مولف غالباً بر آوردن فزای‌های مربوطه، واژه‌شناسی، نقد سند و نقد متن پایبند است؛ البته گاهی نیز با تقلیل این موارد مواجهیم و گاهی برخی بخش‌ها به مدد مصادیق قرآنی، اسناد و روایات به تفصیل آمده‌اند. در بخش‌های پایانی نیز مباحث تکمیلی ذکر می‌شود. نویسنده سعی دارد تا به خواننده یادآور شود که ظاهر احادیث به تنهایی نمی‌تواند مبنای قضاوت او باشد. شاید حدیثی به ظاهر مذمت‌گونه باشد؛ اما خواننده آگاه نباید بدون در نظر گرفتن معنای واژگان در روزگار خود، نادیده گرفتن زمان و فضای صدور احادیث و مهم‌تر از همه بدون تحقیق در باب وثاقت احادیث، حکمی کلی صادر کند.

این پایان نامه تنها گوشه‌ای از تلاش‌های محققین در راستای ابهام‌زدایی پیرامون مباحث دینی محسوب می‌شود و راه فراخی پیش روی محققانی که دغدغه‌هایی از این نوع دارند قرار می‌دهد. می‌توان گفت دل مشغولی‌های این چنینی واجب‌کفایی نیستند که با عهده دار شدن عده‌ای از گردن دیگران ساقط شود و بر همگان (نه فقط محققان) واجب است





ابوالاسود دثلی و علی (ع)

قَتَلْتُمْ خَيْرَ مَنْ رَكِبَ الْمَطَايَا
وَحَيْسَهَا وَمَنْ رَكِبَ الشَّيْنَا
إِذَا اسْتَقْبَلَتْ وَجْهَ أَبِي حَسَنِ
رَأَيْتَ الدُّرَّ رَاقٍ النَّاطِرِيْنَا
لَقَدْ عَمِلْتَ قَرِيْشَ حَيْثُ حَلَّتْ
بِأَنْتَ خَيْرَهَا حَسْبًا وَدِيْنَا

(به معاویه بن حرب بگوید
هرگز چشم شما تنگتران روشن مباد
آیا در ماه رمضان

ما را به مصیبت بهترین کسان دچار کردید
بهرتر از همه کسانی را که بر مرکب نشسته‌اند
و پاپوش داشته‌اند به خون کشیدید
وقتی چهره‌ی ابو‌حسین را می‌دیدید
ماه تمام بود که بیننده را خیره می‌کرد
قریشیان هر جا که باشند، می‌دانند
که تو به حرمت و دین از همه‌ی آنها بهتر بودی)

از دیگر فعالیت‌هایی که ابوالاسود در کنار
علی (ع) به ثمر رساند، می‌توان به وضع قواعد
نحو اشاره کرد. او نخستین کسی است که
قواعد نحو عربی را پایه‌گذاری کرد و اعراب
گذاری قرآن را به عهده گرفت. یکی از دلایل
اعراب گذاری قرآن را این است که افرادی
که تازه به دین اسلام گرویده بودند، به دلیل
عرب نبودن و ندانستن زبان عربی موجب رخ
دادن اشتباهات بسیاری در تلفظ و ادای جملات
قرآن می‌شدند. ناگفته نماند حتی خود اعراب
هم گاهی در گفتن بعضی کلمات به مشکل
می‌خوردند. به گفته ابوالاسود این موضوع
باعث نگرانی حضرت علی (ع) شد؛ زیرا امام
بیم آن را داشتند که مبدا تلفظ نادرست
کلمات قرآن، سبب دگرگونی مفاهیم موجود
در آن شود. بنابراین امام برای جلوگیری از
تغییر و تحریف آیات و کلمات، قواعد اولیه
نحو را به نگارش درآوردند و آنها را به دثلی
دادند تا به وضع علم نحو بپردازد.

ابوالاسود برای نشان دادن اعراب؛ از نقاط
قرمز و سبز در بالا و پایین کلماتی که به
خط کوفی بودند، استفاده کرد. پس از مدتی،
این اقدام او باعث تکامل و زیبا شدن خط
کوفی شد. رفته رفته خط کوفی از حالت
سادگی بیرون آمد و با ابتکار یحیی بن یعم
که نقطه گذاری قرآن را به گردن گرفت، به
سمت پیچیدگی گام برداشت.

پرداخت. برخی منابع معتقدند که در جنگ
صفین هنگامی که ماجرای حکمیت مطرح
شد، علی (ع) ابتدا قصد داشتند ابوالاسود را
برای حکمیت انتخاب کنند اما به دلیل
مواجه شدن با مخالفت بعضی از یاران
ایشان، این امر تحقق نیافت.

پس از شهادت حضرت علی (ع) دثلی کم‌کم
از صحنه سیاست فاصله گرفت؛ زیرا او تنها اهل
بیت (ع) را سزاوار رهبری بر مردم می‌دانست
و از اینکه افرادی مثل معاویه در راس امور قرار
داشتند خشمگین بود. ابوالاسود نارضایتی‌اش
از وضع موجود جامعه را به طرق گوناگون
نشان می‌داد؛ مثلاً چون ذوق و قریحه قابل
ستایشی در سرودن شعر داشت به تصنیف و
سرودن اشعاری زیبا و مختلف در مدح اهل
بیت و ذم دشمنان ایشان همت گماشت.
همین صراحت او در بیان حقایق در اشعارش
موجب شد که سران حکومت از او دلخور
شده، اعتمادشان را نسبت به او از دست
دهند و تلاش بیشتری کنند که ابوالاسود از
حکومت و مسائل سیاسی دور بماند.
به عنوان مثال؛ ابوالاسود شعر زیر را بعد از به
شهادت رسیدن حضرت علی (ع) سرود. او در
این شعر معاویه را به طور واضح مسبب قتل
امیرالمومنین معرفی می‌کند و به مدح آن
حضرت می‌پردازد:

أَلَا بَلَّغَ مُعَاوِيَةَ ابْنَ حَرْبِ
فَلَا قُوَّةَ عِيْنَ الشَّامِتِيْنَا
أَفِي شَهْرِ الصِّيَامِ فَمُعْتَمُونَا
بِحَيْرِ النَّاسِ طَرًّا أَعْجِيْنَا

ظالم بن عمرو بن سفیان به ابوالاسود دثلی
شهرت داشت. در مورد زمان دقیق ولادت او
اطلاعات دقیقی در دست نیست. او متعلق به
تیره‌ی بنی کنانه مضر بود که با نام دثل
شناخته می‌شدند. حجازی‌ها دثل را دلیل هم
تلفظ می‌کردند. با توجه به سخنان واقعی در
کتاب المغازی؛ قبیله‌ی ابوالاسود در نزدیکی
حجاز سکونت داشتند و در برخی حوادث
تاریخ صدراسلام حاضر بودند. شماری از
منابع ابوالاسود را در زمره صحابه به حساب
آورده‌اند، اما ابن اثیر، در اسدالغابه، بیان
می‌کند که این خطا هنگام تصحیف برخی
منابع بروز کرده و ابوالاسود در طول زندگانی
پیامبر (ص) با او دیداری نداشته است تا در
گروه صحابه جای گیرد. ابوالاسود در سال
۶۹ هجری قمری به دلیل گرفتار شدن به
بیماری طاعون از دنیا رفت.

در باب ارتباط ابوالاسود با حضرت علی (ع)
می‌توان گفت که دثلی از شاگردان آن
حضرت به حساب می‌آمد و ارتباط نزدیکی با
امام داشت. او به نقل احداث بسیاری از علی (ع)
دست زده است و نامش در منابع، کنار
اسامی افراد ثقه و مورد اعتماد دیده می‌شود.
امام علی (ع) در زمان خلافتش، مدتی ابوالاسود
را به حاکمیت بصره گماشت و شماری از
کارهای حکومتی را به او واگذار کرد. وی
همچنین در جنگ‌های جمل و صفین در
جوار حضرت علی (ع) به جنگ با دشمنان







ریحانه پرویزی

معرفی شهر نجف

می دهند آواز طمتم فادخلوا خالدین

خاک آن دارد شرف بر زمزم و بیت الحرام

زائران درگت را برد خلد برین

تا نجف شد آفتاب دین و دولت را مقام

سخن نخست

همه ساله افراد زیادی برای زیارت مضجع شریف امیرالمومنین علی(ع)، از نقاط مختلف جهان و در مناسبت‌های گوناگون راهی نجف اشرف می‌شوند. شاید خود شما هم تا به حال به عراق و نجف سفری داشته‌اید و برای زیارت به آن جا رفته باشید.

شهر نجف در ۱۰ کیلومتری غرب کوفه، ۷۷ کیلومتری جنوب شرق کربلا و نزدیک به شهر قدیمی حیره قرار دارد. نجف از جمله مراکز علمی شیعیان به حساب می‌آید اما آنچه که سبب شهرت و اهمیت این شهر شد واقع شدن مرقد علی (ع) در آن است که هارون الرشید، یکی از خلفای عباسی، اقدام به ساختن آن کرد.

اما سوال این جاست که چه تعداد از افرادی که این مکان مقدس را زیارت می‌کنند، با تاریخچه ی این مکان آشنایی دارند؟ و به عبارتی سرگذشت این مکان را می‌دانند؟ این که چرا این مکان نجف نام گرفته است؟ امام علی(ع) چه طور و چگونه در این مکان به خاک سپرده شدند؟ محل خاکسپاری ایشان توسط چه کسی مشخص گردید؟ چرا محل قبر ایشان تا زمان امام صادق(ع) مخفی بود؟ و در پی چه حادثه‌ای این مکان مشخص گردید؟



روایت اول

سر نامیدن نجف به نجف

علی بن احمد بن محمد می‌گوید: محم دین ابی عبدالله کوفی، از موسی بن عمران نخعی، از عمویش حسن بن یزید نوفلی، از علی بن ابی حمزه، از ابی نعیم، از حضرت ابی عبدالله (ع) نقل کرده که آن جناب فرمودند: «نجف همان کوهی بود که پسر نوح گفت، ساوی الی جبل یعیصنی من الماء». به زودی بالای کوهی خواهیم رفت که من را از غرق شدن در آب حفظ می‌کند (سوره هود آیه ۴۳). و روی زمین کوهی بزرگتر و مرتفع‌تر از آن نبود. باری حق عزوجل به کوه خطاب فرمود: ای کوه، آیا از من به تو باید پناه برده شود؟ پس کوه بلافاصله تکه تکه گردید و به طرف بلاد و سرزمین های شام پرتاب و به ریگ های ریز و کوچکی مبدل گشت و بعد از آن به صورت دریایی عظیم درآمد و به دریای «نی» نامیدنش. سپس خشک شد و به آن نی خف گفتند. بعد از آن مردم آن سرزمین را «نجف» خواندند زیرا اداء آن بر زانشان سهل تر بود (علل الشرایع).

روایت دوم

در هنگام غسل حضرت علی (ع)

محمد بن حنفیه گفت: چون برادرانم امام حسن و امام حسین (ع) مشغول غسل شدند، حضرت امام حسین (ع) آب می ریخت و امام حسن (ع) غسل می داد، احتیاج نداشتند به کسی که جسد حضرت را بگرداند و بدن مبارک هنگام غسل خود از این سوی بدان سوی می شد. هر طرف را که می شستند جسد مطهرش می‌گردید و طرف دیگر ظاهر می‌شد، بویی خوشتر از مشک و عنبر از جسد مبارکش می‌شنیدند (تاریخ چهارده معصوم، ص ۳۶۳).

روایت سوم

وصیت حضرت در رابطه با محل خاکسپاری و چگونگی دفن ایشان

هنگامی که لحظه جان سپاری حضرت نزدیک شد، به حسن و حسین (ع) وصیت کردند و فرمودند: وقتی من از دنیا رفتم مرا غسل داده، حنوط نمایید و در شب و مخفیانه حرکت دهید. قسمت عقب تابوت را بگیرید و به دنبال جلوی آن حرکت کنید و هر جا جلوی تابوت فرود آمد، شما تابوت را همان جا بگذارید و مرا در قبری که تابوت در آن جا قرار می‌گیرد دفن کنید، و در این کار کسانی هم به شما کمک خواهند کرد با آن‌ها مرا شب به خاک بسپارید و قبرم را مخفی نمایید (قصه کوفه تاریخ زندگی امام امیرالمومنین علی (ع) از هجرت به کوفه تا شهادت ص ۴۴۵).

ابو حمزه از حضرت باقر (ع) نقل کرده‌است که آن حضرت فرمودند: در وصیت امیرالمومنین (ع) آمده‌است که فرمودند: من را بیرون کوفه برید و هنگامی که گام‌های شما در زمین فرو رفت و بادی از مقابل شما وزیدن گرفت، همان جا مرا دفن کنید که آن‌جا اول طور سینا است. پس بر طبق وصیت حضرت عمل کردند (قصه کوفه، ص ۴۴۷).

حیان بن علی بن عتری می‌گوید یکی از نزدیکان حضرت برایم نقل کرد: آخرین لحظات عمر حضرت بود که امام حسن و امام حسین را خواستند و فرمودند: اگر از دنیا رفتم مرا با این تخت از منزل خارج کنید و فقط عقب تخت را بگیرید، جلوی آن را برایتان خواهند گرفت، مرا به غریبن (نام دیگر نجف اشرف است) ببرید. در آن جا سنگی سفید و درخشنده خواهید دید، زیر آن را حفر کنید. قبری آماده خواهید دید. مرا در آن قبر دفن کنید. و بالجمله چون جنازه به موضع قبر آن حضرت رسید فرود آمد، پس جنازه را بر زمین نهادند و امام حسن (ع) به جماعت بر آن حضرت نماز کرد و بعد از نماز جنازه را برداشتند و دفن کردند. (منتهی الآمال، ص ۱/ ۲۹۷، ۲۹۸).

روایت چهارم

احوال مردم پس از شهادت امام علی (ع)

شیخ کلینی و ابن بابویه و دیگران به سندهای معتبر روایت کرده‌اند که: در روز شهادت حضرت امیرالمومنین (ع) صدای شیون از مردم بلند شد و دهشتی عظیم در مردم افتاد مانند روزی که رسول خدا از جهان برفت و در آن حال پیرمردی اشک‌ریزان و شتاب‌کنان بیامد. می‌گریست و می‌گفت: انا لله و انا الیه راجعون. امروز خلافت نبوت انقطاع یافت، پس بیامد و بر در خانه امیرالمومنین (ع) ایستاد و در باب بسیاری از مناقب امیرالمومنین (ع) سخن گفت، مردمان ساکت بودند و می‌گریستند. پس از آن، از نظرها ناپدید شد. مردمان هر چه او را طلب کردند او را نیافتند. مولف گوید: که آن پیرمرد، حضرت خضر بود (منتهی الآمال ۱/ ۲۹۹، ۳۰۰).

**روایت پنجم**

آشکار شدن محل قبر امام علی(ع)

محمد بن عایشه می گوید، عبدالله بن حازم برای تعریف کرد: روزی برای شکار همراه هارون الرشید از کوفه خارج شدیم تا به ناحیه غریین و ثویه رسیدیم. آهوانی را در آن جا دیدیم و به دنبال آن ها بازهای شکاری و سگان را روانه کردیم. مدتی آهوان را دنبال کردند و آهوان ناچار به تلی خاک پناه بردند و از آن بالا رفتند؛ بازها نیز در کناری نشستند و سگ ها نیز بازگشتند. هارون از این واقعه تعجب کرد. آهوان از تل

خاک پایین آمدند و سگان و بازها به آن ها حمله ور شدند ولی آن ها دوباره بالا رفتند و جان سالم به در بردند. هارون گفت: سریع بروید و هرکسی را در این اطراف دیدید بیاورید. آن ها رفتند و پیرمردی از طایفه بنی اسد را نزد هارون آوردند. هارون به او گفت: در مورد این تل خاک چه می دانی؟ پیرمرد گفت: اگر در امان باشم خواهم گفت. هارون گفت: با تو عهد و میثاق الهی می بندم به تو آسیبی نرسد. گفت: پدرم از نیاکانم برایم گفته اند که: در این تل خاک، قبر علی بن ابیطالب(ع) قرار دارد. خداوند آن را حرمی قرار داده است که هیچ کسی به او پناهنده نمی شود مگر آن که از آن مشکل امان خواهد یافت. سپس هارون نیز از مرکب خود پیاده شد، آب خواست و وضو گرفت و کنار آن تل خاک نماز خواند و صورت روی خاک های آن تل می گذاشت تا این که بازگشتیم. محمد بن عایشه می گوید: نتوانستم این مطلب را باور کنم تا این که بعد از مدتی به حج مشرف

شدم و در مکه، یاس، ساربان هارون را دیدم. وقتی طواف کردیم، با هم نشستیم و صحبت کردیم تا این که سخن بدین جا رسید که او گفت: شبی از شب ها که از مکه وارد کوفه شده بودیم، هارون به من گفت: به عیسی بن جعفر بگو آماده حرکت باشد. سپس آن دو به راه افتادند و من هم با آن ها رهسپار شدم تا این که به غریین رسیدیم. عیسی راحت مشغول خواب و استراحت بود ولی هارون نزد آن تل خاک رفت و همواره دو رکعت نماز می خواند و دعا کرده و می گریست و خود را به خاک آن می آلود. آن گاه شنیدم که می گفت: ای پسر عمو، قسم به خداوند، برتری و سابقه ات را می دانم و قسم به خداوند، این جایگاهی که بر آن تکیه زده ام به خاطر لطف توست و تو بزرگواری، ولی فرزندان بر علیه من شورش می کنند و مرا آزار می دهند. سپس بلند شد، نماز گزارد و دوباره همان کلام را تکرار کرد و دعا کرد و می گریست تا این که سحر شد. به من گفت: عیسی را از خواب بیدار کن و من او را بیدار کردم. هارون به او گفت: برخیز و نزد قبر پسرعمویت نماز بخوان. عیسی به او گفت: کدام پسر عمویم این جاست؟ هارون گفت: این قبر علی بن ابیطالب(ع) است. پس عیسی نیز وضو گرفت و نماز خواند و پیوسته در این حال بود تا این که صبح شد (الارشاد، ص ۳۹).

خطبه زوراء (پیشگویی حضرت علی (ع) از حمله مغول)



می‌سازد. بلا و عذاب بزرگ برای کسی است که به مخالفتش برخیزد. او همچنان صاحب قدرت و نیرو است تا پیروزی نهایی نصیبش شود.

پدر علامه حلی پس از قرائت خطبه به هلاکو گفت: علی (ع) اوصافی در خطبه ذکر کرده و ما تمام آن را در شما می‌یابیم و به پیروزی شما امیدواریم؛ به همین جهت نامه نوشتیم و من به حضور شما آمده‌ام. هلاکو اندیشه و فکر آنان را به پاکی و حسن قبول تلقی کرد و فرمانی به نام پدر علامه حلی نوشت و در آن مردم حله را مورد عنایت مخصوص قرار داد. طولی نکشید که هلاکو بغداد را فتح کرد و آخرین خلیفه عباسی (مستعصم) را به قتل رساند. به طوری که که دایره‌المعارف بستانی نقل کرده متجاوز از دو میلیون نفر در این حادثه خونین کشته شدند، اموال فراوانی به غارت رفت و خانه‌های زیادی طعمه حریق شد و سرانجام آشکار شد و علمای حلی خطبه علی (ع) را به خوبی فهمیده و به درستی آن را با هلاکو و لشکریانش تطبیق داده بودند. تشخیص صحیح و اقدام به موقع آنان جان مردم حله و کوفه و نجف و کربلا را از خطر مرگ قطعی نجات داد و از کشتار دسته جمعی آنان جلوگیری کرد.

منبع: مغولان و حکومت ایلخانی نوشته دکتر شیرین بیانی

به صلح نمی‌انجامد و ما او را ترک نمی‌گوییم؟ پدرم در پاسخ گفت: نوشتن نامه و آمدن به حضور شما براساس روایتی است که امیرالمومنین علی (ع) به ما رسیده است. حضرت علی (ع) در خطبه زوراء فرموده است: چه می‌دانی زوراء چیست؟ سرزمین وسیعی است که در آن بناهای محکم پایه‌گذاری می‌شود. مردم بسیاری در آن مسکن می‌گزینند. رئیس‌ان و ثروتمندان در آن اقامت می‌کنند. بنی عباس آنجا را مقر خود و جایگاه ثروت‌های خویش قرار می‌دهند. زوراء برای بنی عباس خانه بازی و لهو است. آنجا مرکز ستم ستمکاران و کانون ترس‌های دهشت زاست. جای پیشوایان گناهکار و امیران فاسق و فرمانروایان خائن است و جمعی از فرزندان فارس و روم به آنان خدمت می‌کنند. در این محیط تیره و گناه‌آلود و در شرایط ننگین و شرم‌آور، اندوه عمومی و گریه‌های طولانی و شرور و بدبختی دامن‌گیر مردم زوراء می‌شود و گرفتار هجوم اجانب نیرومند می‌گردند. اینان ملتی هستند که حدقه چشمشان کوچک است. صورت‌های آنان مانند سپر طوق شده و لباسشان زره آهنین است. سیمای جوانی دارند و پیشاپیش آنها فرمانروایی است که از سرزمین اصلی خود آمده است. او صدایی بلند و سطوتی نیرومند و همتی عالی دارد. او به هیچ شهری نمی‌گذرد مگر آن که فتح کند و هیچ علمی در مقابلش برافراشته نمی‌شود مگر آنکه سرنگونش

علامه حلی از پدرش نقل می‌کند: علت این که در فتنه مغول، اهل کوفه و حله و کربلا و نجف قتل عام نشدند و از هجوم سربازان هلاکو مصون ماندند؛ این بود که وقتی هلاکو به خارج بغداد رسید و هنوز شهر را فتح نکرده بود، بیشتر اهالی حله از ترس خانه‌های خود را ترک گفتند و به بطایح گریختند و تعدادی در شهر باقی ماندند از جمله پدرم و سید ابن طاووس و فقیه بن ابی العز. این سه نفر تصمیم گرفتند به هلاکو نامه بنویسند و صریحاً اطاعت خو را از وی اعلام کنند. نامه نوشتند و به وسیله یک فرد غیر عرب فرستادند.

هلاکو پس از دریافت نامه فرمانی به نام ایشان صادر کرد و گفت: به کسانی که نامه نوشتند بگویند اگر نامه را از صمیم قلب نوشته‌اید و دل‌های شما با نوشته‌تان مطابق است نزد ما بیایید. فرستادگان هلاکو به حله آمدند و پیام هلاکو را ابلاغ کردند. ایشان از ملاقات با هلاکو بیمناک بودند؛ زیرا نمی‌دانستند پایان کار چه خواهد شد.

پدرم به آن دو نفر گفت: اگر من به تنهایی نزد هلاکو بیایم کافی است؟

گفتند: آری؛ در معیت فرستادگان هلاکو حرکت کرد در آن موقع هنوز بغداد فتح نشده بود و خلیفه عباسی را نکشته بودند. وقتی پدرم به حضور هلاکو بار یافت به او گفتند: چطور به مکاتبه با من اقدام کردید و چگونه به ملاقات من آمدی پیش از آن که بدانی کار من و خلیفه

فاطمه مهری پریزاد، شقایق لواجو

مصاحبه با آقای دکتر اصغر قائدان، عضو هیأت علمی دانشکده الهیات تهران



خليفة فيكم فاسموا له و اطيعوا". و يا به هنگام پيمان مواخاه به علي(ع) گفتند: «أنت أخي و وصي و وارثي...» و يا هنگام غزوه تبوك كه ايشان را جانشين خود در مدينه قرار دادند فرمودند: «أما ترضي أن تكون مني بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا تأتي بعدى» در اینجا جایگاه امام علي(ع) نسبت به پیامبر(ص) مثل هارون به موسی است و هارون رهبری قوم را در غیبت موسی بر عهده داشت. اما مصرح ترین و مستقیم ترین اشاره به جانشینی ايشان در غدیر خم است؛ ولی اهل سنت در تعبیر و معنای این کلمه در خصوص جانشینی تشکیک کرده و

من بر شما از خودتان بیشتر ولایت ندارم؟»، مردم گفتند: آری. سپس فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ...» (هر کسی را كه من ولی و سرپرست او هستم، علی نیز ولی و سرپرست اوست).

چرا پیامبر (ص) مستقیماً با عباراتی صریح جانشینی امام علی(ع) را اعلام نکرده‌اند؟
رسول خدا (ص) در جاهای متعدد گاهی به صراحت و گاهی به اشاره به این جانشینی اشاره داشته‌اند از جمله در یوم الانذار با اشاره به علی (ع) فرمودند: إِنَّ هَذَا أَخِي وَ وَصِي وَ

در غدیر خم چه گذشت؟

پیامبر (ص) در روز ۱۸ ذی‌الحجه الحرام، پس از بازگشت از حجة الوداع، در سال دهم هجری - یعنی حدود بیش از دو ماه مانده به رحلت خود- در محلی به نام غدیر خم، مردم را متوقف ساخته، خطبه‌ای طولانی خواند و در بخشی از این خطبه فرمود: «من از میان شما می‌روم و دو چیز گرانبها نزد شما می‌گذارم. اگر به آن متمسک شوید، هرگز گمراه نخواهید شد. آن دو چیز، کتاب خدا و خاندان و اهل بیت من هستند.» سپس بازوی علی (ع) را گرفت و فرمود: «ایا



شب را به صبح و روز را به شب رسانیدی در حالی که مولای هر مومنی هستی! قطعا اگر گفته رسول خدا(ص) توصیه بود بیعت بلافاصله معنا نداشت. بیعت برای امری است که تبعیت پذیری در آن نهفته باشد.

چرا نام امام علی (ع) در قرآن نیامده است؟

در قرآن کریم تنها نام برخی از پیامبران و فرزندان آنان که وارث نبوتشان هست آمده است نه همه پیامبران که گفته‌اند ۱۲۴ هزار و نه همه جانشینانشان. علاوه بر آن جایگاه نبوت و امامت بسیار متفاوت است البته از نظر ارتباط با وحی. در موضوع امامت ارتباط با خداوند در این خصوص منقطع می‌شود. چون رسول خدا(ص) آخرین پیامبر الهی است پس جانشینان او تداوم بخش رسالت او هستند تا قیامت و ارتباط خداوند با مردم به واسطه پیامبر دیگر هرگز وجود نخواهد داشت آیا نام همه جانشینان او نیز باید در قرآن ذکر شود؟ البته برخی از مفسران تعبیری عرفانی از برخی آیات دارند که اینها به نام علی و حسنین یا حضرت فاطمه اشاره دارند که بحث پیرامون آن فرصت دیگری را می‌طلبد.

کلمه مولی در عبارت ایشان در روز غدیر به معنای دوستی نیست.

آیا پیامبر(ص) در مورد جانشینی توصیه کرده‌اند؟

با توجه به موارد بالا آن حضرت بارها بطور غیرمستقیم زمینه چنین انتخابی را در بن مردم در مواقع متعددی فراهم ساخته و در غدیر خم آن را همگانی و آشکار بیان کرده است. عبارت اینکه هر کس من بر او ولایت دارم علی نیز بر او ولایت دارد صریحا نشان از جانشینی قطعی دارد نه توصیه. اگر معنای مولی را ولایت بگیریم نمی‌توان تفسیر به توصیه کرد؛ زیرا بحث جانشینی توصیه‌ای نیست مگر آنکه ایشان چند نفر را نام می‌بردند و می‌گفتند توصیه من به شما این است که علی را انتخاب کنید ولی در این عبارت مستقیما علی را هم‌سطح خود در تبعیت و اطاعت مردم قرار می‌دهند و این یعنی صراحت و قطعیت نه توصیه. علاوه بر آن برخی منابع گفته‌اند که مردم با شنیدن این سخنان دسته‌دسته با علی(ع) بیعت کردند، از جمله عمر بن خطاب که ضمن بیعت به ایشان می‌گفت: «یا علی اصباح و امسیت مولای کل مومن ومومنه» ای علی

آن را به معنای دوستی برداشت می‌کنند. این کلمه دارای معانی متعددی است. بعضی از این معانی عبارتند از: مهربان، مددکار، متصرف بر کسی، دوست، نگاهبان، پرورنده، نعمت‌دهنده و نعمت‌داده شده. با یک بررسی اجمالی در آیاتی از قرآن عبارت ولی برای خداوند و به معنای متصرف در امور و ولایت آمده است و همین معنا نیز در بسیاری از کتب لغت ذکر شده است. به لحاظ تاریخی نیز در آن عصر معمولا برای ابراز دوستی و یا توصیه به آن از کلمه حب و محب استفاده می‌شده چنانکه بارها پیامبر(ص) در مورد امام علی(ع) کلمه حب را بکار برده اند «من احب علیا احبنی» و بین کلمه حب و ولایت آن حضرت خود تفاوت قائل بوده‌اند زیرا در روایتی مشابه عبارت حب و ولایت در کنار هم و بطور مشخص و روشن در دو معنای متفاوتی بیان گردیده است: اوصی من امن بی وصدقنی بولایة علی بن ابی طالب من تولاه فقد تولانی ومن تولانی فقد تولی الله ومن احبه فقد احبنی ومن احبنی فقد احب الله» و دهها روایت دیگر در مورد حب و دوستی اهل بیت، امام علی(ع) حسنین و .. آمده که در هیچ یک از آنها از عبارت مولی استفاده نکرده‌اند. این نشان می‌دهد که



گزارش فیلم (نگاهی به سریال خاری در گلوبا تکیه بر جنگ صفین)

فرآیندی سه ساله ساخته شد. در این مجموعه چهره‌های برجسته‌ای چون داریوش ارجمند (مالک اشتر)، بهزاد فراهانی (معاویه)، مهدی فتحی (عمرو عاص) و ویشکا آسایش (قطام) به ایفای نقش می‌کنند. گرچه بنا بر ذات طبیعی هر فیلم نقدهایی نیز بر آن وارد شده که مهم‌ترین آن پررنگ جلوه دادن شخصیت‌های منفی است؛ اما جالب این است که با گذشت ۲۲ سال از پخش این مجموعه، امروزه نیز از آن به عنوان اثری ارزشمند و ماندگار یاد می‌شود.

ساخت فیلمی با محوریت شخصیت والای امام علی به خصوص در جامعه‌های که بیشتر مردم آن شیعیان دوازده امامی هستند، قطعاً نگاه‌های زیادی را متوجه خود ساخت.

نگاه‌هایی مشتاق و در عین حال حساس. حساس بدین جهت که قرار بود تصاویر جایگزین کلمات شوند و به مخاطب برای آن چه که خود به واسطه کتب و منابع و سخنرانی‌ها از پیش می‌دانست، تصویری عرضه کند؛ و زان پس

هستیم که کدام واقعیت‌ها بیشتر مورد توجه قرار گرفته و کارگردان تا چه اندازه توانسته این واقعه مهم تاریخی را بازسازی کند. لازم به توضیح است که هدف، ورود به حوزه نقد و تحلیل فیلم که تخصص خاص خود را می‌طلبد نبوده و تنها نگاهی منطقی و تاریخی مد نظر است. در نتیجه از اطناب خودداری و تنها سعی بر آن بوده تا نکات درخشان مجموعه به مخاطب یادآوری شود.

این سریال مذهبی- تاریخی که در میان مردم بیشتر با عنوان سریال امام علی شناخته می‌شود، با همت داود میرباقری (کارگردان برجسته سینما و تلویزیون) طی

حوادث تاریخی همواره الگوی مناسبی برای فیلمسازان هستند. در واقع آنجا که مخاطب روی از عالم تخیل می‌گرداند و خواستار غور در حقیقت است و دنیایی قریب به واقع را می‌جوید، فیلمساز خود را موظف می‌بیند که به نیاز مخاطب خود پاسخ داده و به خلق تصویری بپردازد که روح حقیقت جوی او را ارضا کند. این جا است که بازنمایی گذشته اهمیت می‌یابد و حوادث تاریخی به مثابه سناریوهای آماده و از پیش نوشته شده در آرشیو تاریخ خودنمایی می‌کنند. البته این بدان معنا نیست که تخیل در ساخت چنین فیلم‌هایی مهجور است؛ با توجه به ماهیت تاریخ و در لفافه بودن حقایق، لازم است که فیلمساز با فضاهایی که به تصویر می‌کشد و با تک‌تک شخصیت‌هایی که خلق می‌کند همراه شده و خود را به جای آنها گذاشته که این امر مستلزم بهره‌مندی وی از تخیلی پویاست.

در میان آثار خلق شده با مضامین تاریخی برخی در قالب فیلم‌های سینمایی یا تله فیلم و برخی نیز به شکل سریال درآمده‌اند. برخی بزنگاه‌های تاریخی بارها و بارها مورد توجه واقع شده‌اند و برخی بکر هستند.

"خاری در گلوبا" اولین سریال مستقل درباره امام علی است که در سال ۷۶ پخش شد. در این نوشتار با نگاهی کلی به این مجموعه تلویزیونی (با تکیه بر جنگ صفین) درصدد پاسخگویی به این سوال





ابایزید تا زمانی که عدالت علی برپاست سر خاری واهمه نکن؛ عدالت تنها اثری است که به طبع آدمی تلخ است. او که از تزلزل ایمان یاران علی آگاه است، از هر فرصتی برای رویگردانی آنان از علی بهره می‌برد. در جایی که معاویه آشفته به نظر میرسد اما عمرو در کمال آرامش به نامه نگاری مشغول است. او ضمن یادآوری عدالت علی، خطاب به اشعث کندی می‌نویسد: عدالت علی را خطری جدی بدان؛ علی فراغتی پیدا کند به انباری که از آذربایجان غارت کرده‌ای می‌پردازد، پس در سپاه علی بمان و ما را دریاب. ذکر این موارد نشان میدهد که نویسنده با بهره‌گیری از کاراکترها (خصوصا کاراکترهای منفی)، سعی دارد مخاطب را از جهل گسترده در زمان علی آگاه سازد؛ چرا که همین یک واژه، علت بسیاری از وقایع آن دوره را بیان می‌کند. نکته‌ای که اشاره بدان ضروری است، استفاده از راوی در خلال سریال می‌باشد. احتمالا مقصود کارگردان جلوگیری از طولانی شدن داستان، خستگی مخاطب و خارج شدن از سررشته وقایع از ذهن مخاطب است؛ همانند توضیحاتی که توسط راوی درباره متارکه جنگ در ماه‌های حرام ارائه می‌شود. البته باید توجه داشت که کم‌رنگ بودن جنگ یا استفاده از راوی برای شرح وقایع، بدان معنا نیست که صحنه‌های نبرد ضعیف باشند. مخاطب با قدری دقت در صحنه‌های جنگ در می‌یابد که هم به ابزار و آلات جنگی و هم به شیوه‌های مبارزه توجه شده و گزینش صحنه‌ها نیز به خوبی صورت گرفته است. طبل نیز به عنوان یکی از آلات

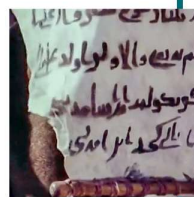
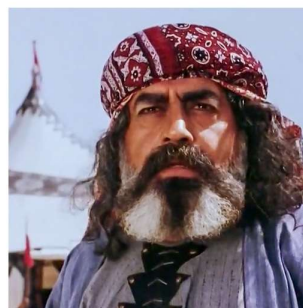
کلمات و تلاش برای القای آنها به مخاطب این است که بسیاری از وقایع ناخوشایند دوران خلافت امام علی(ع) به واسطه همین تعابیر رقم خوردند. به عنوان نمونه به ذکر چند صحنه می‌پردازیم. در صحنه‌ای مروان می‌گوید: این مرد با عدالتش راه ما را هموار می‌کند. یا در جایی دیگر معاویه به عمرو گوشزد می‌کند: اگر سفها در لشکر علی نبودند خدعات عقیم می‌ماند. در صحنه‌ای نیز که مربوط به مجلس معاویه است و در باب جنگ صفین و مقدمات آن سخن می‌رود، عمرو رو به معاویه کرده و می‌گوید: ابایزید در این جنگ نه روی توان قشونت حساب کن و نه روی خدعه‌های من؛ فقط دعا کن دعا کن که در سپاه علی مردان جاهل فراوان باشند. عمرو یکی از شخصیت‌های کلیدی و تعیین کننده است. ویژگی بارز وی آن است که به خوبی با خلق و خوی عرب آشناست؛ از نقاط ضعف و قوت مردمانش آگاه است و به خوبی می‌داند که چگونه برای رسیدن به مقصود خود سوار بر جهل مردم شود. او تا آخرین لحظه از جهالت مردم نومید نمی‌شود. اگر به همه موارد مذکور هوش سیاه او را نیز بیفزاییم، به راحتی درمی‌یابیم که چنین شخصیتی می‌تواند به راحتی هر معادله‌ای را بر هم زند و هر شکستی را به پیروزی بدل کند. گرچه این حقایق قلب مخاطب را می‌آزارد اما باید بپذیریم که عمرو بیشترین بهره را از عدل علی و جهالت بسیاری از یارانش، می‌برد و در لحظه‌های حساس جریان وقایع را تغییر می‌دهد. او در سکانسی رو به سوی معاویه کرده و می‌گوید:

پس هر گاه سخن از امامت علی، عدل، صبر و شهادت ایشان شد این تصاویر به سرعت در مقابل دیدگان او تداعی گردد. پس میتوان گفت که ساخت این فیلم در درجه اول نشان از مسئولیت خطیر کارگردان آن دارد. یکی از حوادث مهم دوران امامت علی(ع) که در این سریال بدان پرداخته شد جنگ داخلی صفین است که مسلمانان در مقابل هم صف‌آرایی می‌کنند. خوارج نیز در خلال این جنگ از سپاه امام کناره‌گیری کرده؛ و در نهایت یکی از همین خوارج امام را به قتل می‌رساند. میرباقری سعی کرده این واقعه تاریخی را به نحوی شایسته به تصویر بکشد و بیننده را از علل جنگ، کارشکنی‌ها و خدعه‌های عمرو در خلال نبرد و پیامدهای جنگ صفین آگاه سازد. انتخاب بازیگران، حرف‌ها و چیدمان هوشمندانه آنها، به باورپذیری و تأثیرگذاری نقش‌ها کمک شایانی کرده است. به گونه‌ای که مخاطب به سرعت با کاراکترها ارتباط برقرار می‌کند و با آنها همراه می‌شود. یکی از نقاط قوت فیلم دیالوگ‌هایی است که میان بازیگران رد و بدل شده و مخاطب را به تأمل وامی‌دارد. این موضوع نشان دهنده‌ی قلم توانمند نویسنده و موفقیت بازیگران در القای حس اصلی به مخاطب است. نکته قابل توجه در بخش‌های مربوط به جنگ صفین که کمتر بدان پرداخته شده، صحنه‌های نبرد است؛ تنها در سکانس‌هایی کوتاه شاهد درگیری دو سپاه هستیم. میتوان این مسأله را ایرادی بر نمایش جنگ در فیلم و به کارگیری جلوه‌های ویژه در نظر بگیریم اما نمی‌توانیم از قدرت نویسنده در گزینش کلمات و جملاتی که تا عمق جان مخاطب نفوذ میکند، چشم‌پوشیم. در واقع هر جا بازنمایی وقایع اعم از جنگ و غیر آن دشوار نموده، قلم نویسنده به مدد او آمده و به جبران کاستی‌ها پرداخته است. شاید میرباقری قصد دارد این تفکر را به مخاطب القا کند که نبرد صفین، بیش از آن که نبردی فیزیکی باشد جنگی روانی است و قطعا یک قطب اصلی آن معاویه و مشاور زیرک او عمرو بوده‌اند. نویسنده همواره کلماتی کلیدی را از طریق شخصیت‌های مختلف داستان (مثبت و منفی) به مخاطب گوشزد میکند و این در تمامی اثر جاریست. از جمله این واژه‌ها می‌توان به جهل، سفاهت و عدل اشاره کرد. علت اصرار بر تکرار این

جنگی به طرق مختلف مورد استفاده سپاه قرار می‌گیرد و نوع نواختن آن پیام خاصی را به افراد منتقل میکند. گاهی اسباب طرب است، گاهی اذن جنگ میدهد و گاهی انذار عقب نشینی. در بخشی از فیلم نیز حتی با خدعه عمرو و نواختن طبل، سپاه شام موفق به باز پس گیری آبشخور فرات می‌شوند. حملات نیز نه به صورت جنگی آشفته که ساختاری منظم دارند. به گونه‌ای که ابتدا سواره نظام و در ادامه پیاده نظام به میدان نبرد می‌روند، و در جبهه مدافع نیز ابتدا صف تیراندازان قرار دارد که همگی نشان از توجه کارگردان به اصول جنگی است. گزینش معدود صحنه‌های جنگ به خوبی صورت گرفته است. برای نمونه می‌توان به صحنه‌ای اشاره کرد که امام در میدان نبرد متوجه عمرو می‌شود و با اسب به سوی او می‌تازد. عمرو که مرگ خود را مسلم می‌بیند، جامه از تن بر می‌کند و عریان می‌شود و امام از نظر کردن به او حیا کرده و عمرو بدینسان از مرگ می‌گریزد.

از دیگر صحنه‌های بسیار تأثیر گذار در نبرد صفین، زمانی است که مالک در چند قدمی خیمه‌های شامیان ایستاده و با پیروزی فاصله‌ای ندارد. در این حین خبر می‌رسد که مالک باید عقب بنشیند. او در می‌یابد که باز هم جهل برخی از یاران علی رشته امور را از هم گسسته و شمشیر جهل به مراتب برنده تر از شمشیر اوست. لاجرم پشت به پیروزی کرده و قصد بازگشت می‌کند. این صحنه به صورت توامان، هم ابهت و هم عجز مالک را به تصویر می‌کشد. این سردار دلیر و تنومند به ناچار روی از میدان جنگ برتافته، سر به زیر انداخته و در حالیکه غم همانند باری بر روی شانه‌های افتاده اش سنگینی می‌کند، از صحنه خارج می‌شود. تفاوت مالک و عمار نیز که هر دو از یاران مخلص علی هستند، جالب توجه است. مالک همواره در تعارضی درونی به سر می‌برد و در برخی موارد به صبر و مدارای علی معترض است. البته این سخن بدان معنا نیست که در انتخاب علی شک کرده، بلکه او به خوبی از حقانیت علی آگاه است و عدم درک منزلت علی (ع) از جانب کوفیان او را سخت می‌آزارد. مالک در سکاسی می‌گوید: ای کاش قادر بودم علی را به روزگاری ببرم که مردانش قدر همچون او را می‌دانستند. در این صحنه چشمان مالک احساس حب و بغض را به مخاطب القا می‌کند (پر از حب نسبت به علی و بغض نسبت به

سپاه لشکری که گرد او آمده‌اند) و بر تأثیر سخن او می‌افزاید. اما عمار روحیه‌ای آرام دارد. او هیچ گاه معترض تصمیمات امام خود نمیشود؛ و در نهایت در صفین، در راه سرسپردگی‌هایش به شهادت می‌رسد. او خطاب به جنبد ازدی می‌گوید: با علی باشی چه ببری چه ببازی فاتی... ماندن برای عمار تلخ و شیرین است: "تلخ است چون از علی جدا می‌شوم، شیرین است چون به دیدار رسول خدا می‌روم". در نهایت باید اعتراف کرد علی در زمانه‌ای می‌زیست که به آن تعلق نداشت. آری، بسی دشوار است زندگی در میان مردمانی که با شور و هیجانات لحظه‌ای یکباره کمر به جنگ می‌بندند و به طرفه‌العینی می‌گریزند. صبوری، تنها سلاحی بود که می‌توانست در چنین شرایطی یاریگر علی باشد و از سخنان ایشان در خطبه شفشقیه هنگامی که اشاره می‌کند: صبر کردم در حالیکه گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود، می‌توان دریافت که که بر علی چه گذشته است. جان کلام آنکه، با دیدن این سریال پی می‌بریم آنچه صفین را رقم زد، آنچه حکمیت را به دنبال داشت و آنچه پیشانی علی را شکافت، جهل مردم زمانه‌ای بود که شأن امام خود نشانختند. معاویه: قوی‌تر از ذوالفقار علی سراغ داری؟؟ عمروعاص: آری؛ جهل مردم.





شقایق لواجو

طی نیمسال جاری با همت و همکاری دانشجویان و گروه تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی، دو نشست و یک مسابقه ی کتابخوانی برگزار شد که به شرح دو نشست می پردازیم:

گزارش سخنرانی آقای دکتر شهرام صحرائی با موضوع بررسی ماهیت قیام‌های شیعی

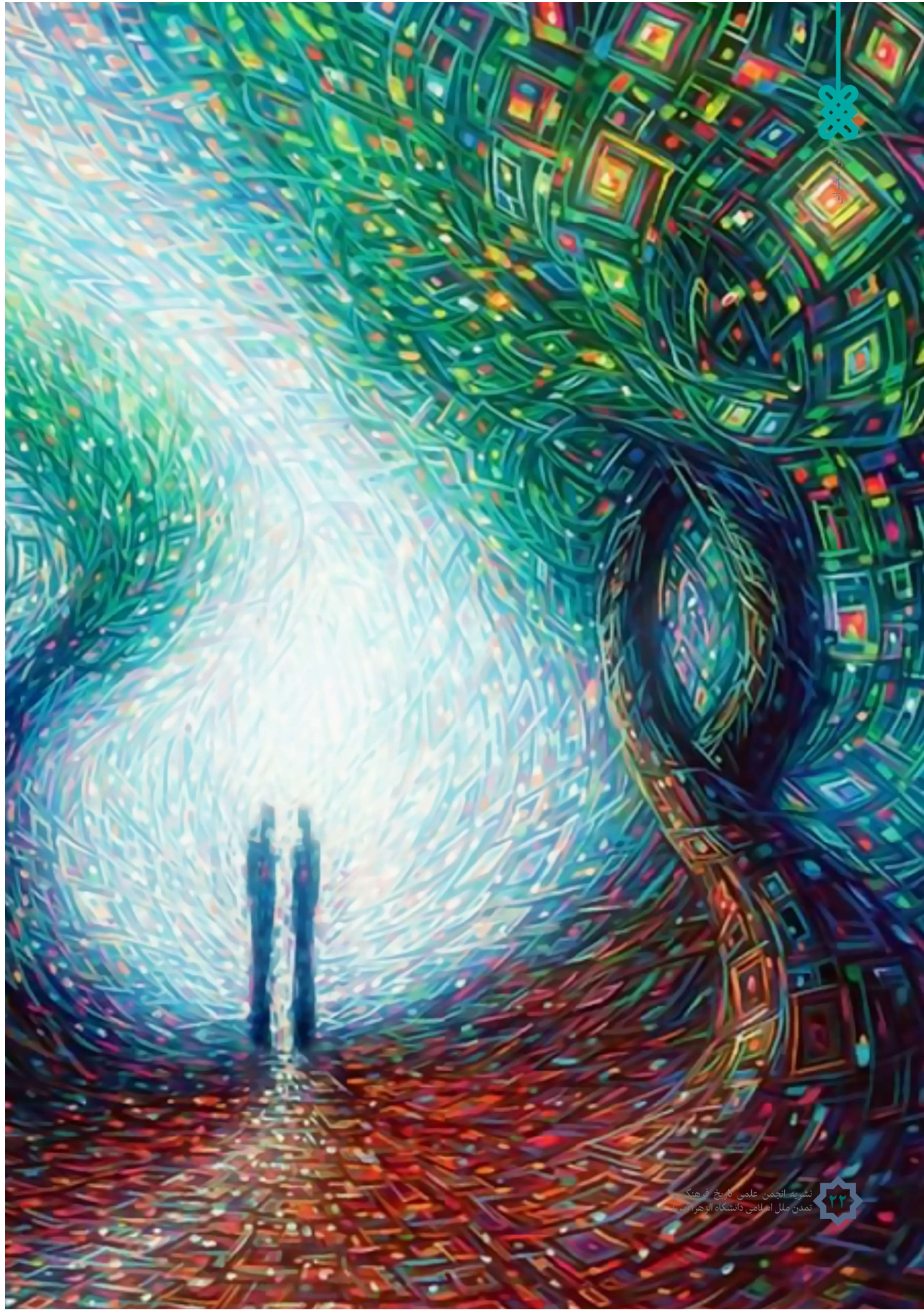
از پسران و برادران نشانی از تشیع در آنها باقی نمی‌گذارد. قیام سربداران نیز که در اثر مشکلات اقتصادی، مالیات بسیار، ظلم ایلخانان و اموری از این دست بود، دولت مستعجلی بود که آغاز آن بدون اندیشه‌ی سیاسی و برنامه‌ریزی بلکه از سر ناچاری و نپذیرفتن تنگ تعدی مغولان به نوامیس چند روستایی سبزواری و سپس دفع حملاتی بود که به قصد سرکوبی و قتل این جماعت معترض انجام شد و در ادامه چنان اختلاف و کشتاری در میان خودشان ایجاد شد که از عبدالرزاق باشتینی تا خواجه علی مؤید، هشت تن از دوازده تن از رهبران ایشان کشته شدند. نهایت آنکه دست کم به اعتقاد بسیاری از فقیهان امامی در طول تاریخ، شیعیان تا پیش از ظهور امام خویش، در قیام مسلحانه و خونریزی مأذون نیستند هرچند این امر به معنای انظلام و ستم‌پذیری و ممنوع بودن حرکت‌های اصلاحی و اعتراض عمومی به قصد کاستن از محرومیت‌ها و بهتر کردن شرایط زندگی و برقراری نسبی عدالت نیست؛ چنانکه نهضت مشروطه و نیز انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران از مصادیق آن و مستظهر به تأییدات مراجع عظام تقلید و عالمان و روحانیت شیعه بوده است و به خصوص در مورد اخیر، رهبر انقلاب ایران تا آخرین روز نهضت هیچگاه اجازه‌ی وارد شدن نهضت به مرحله‌ی نظامی و دست بردن به اسلحه را نداد و حرکت مزبور در سایه‌ی خواست عمومی مردم و به دور از خشونت به پیروزی رسید.

نبوده و نشانی از اطاعت و تسلیم و تبعیت و ولایت‌پذیری در آنها دیده نمی‌شود. از سوی دیگر امامان در موارد متعددی تأکید کرده‌اند که حکومت آنها برقرار نخواهد شد جز پس از ظهور علائم حتمیه مانند: خروج سفیانی و صیحه‌ی آسمانی؛ و تا پیش از آن هر حرکت مسلحانه‌ای منسوب به امامان (علیهم السلام) نخواهد بود و تبعاً شیعیان از آنجا که شیعه به معنای پیرو و مطیع آنها هستند نمی‌توانند در آن شرکت بجویند. قیام‌هایی که از ناحیه‌ی زیدیان در طبرستان و نقاط دیگر انجام شد مثل قیام سید محمد مشعشع و نیز قیام صفویان هرگز نمی‌تواند منتسب به امامان بوده باشد؛ زیرا که سادات مزبور هرگز ارتباطی با امامان نداشتند و بر خط فرمان ایشان نبودند. سید محمد مشعشع هم به دلیل انحراف عقیده و ادعای گاه مهدویت و گاه بابیت امام مهدی(ع) نیز به دلیل کشتار و غارت مردمان هویزه و مناطق دیگر از سوی فقیه امامی عصر خویش، این فهد حلی تکفیر و حکم قتلش اعلام شد. شاهان صفوی نیز هرچند ایرانی واحد و حکومتی شیعی تشکیل دادند، مع الوصف حرکت نظامی ایشان که با قتل عام اهل سنت، ویران کردن قبور مشایخ طریقت سنی و اموری از این دست قرین بود، فرسنگ‌ها از قیامی که بتوان صاحبان آن را شیعه دانست فاصله دارد؛ به ویژه که عقائد غالیانه، بی‌اعتنائی آنها نسبت به احکام شرع و لاپابالی‌گری آنها در میگساری، استعمال مواد مخدر (غالباً بنگ) و کشتن رقیبان سلطنت خویش اعم

روز دوشنبه بیستم اسفند ماه سال نود و هفت ساعت ۱۳-۱۵، در ساختمان خوارزمی، کلاس ۴۰۴، نشستی در باب «بررسی ماهیت قیام‌های شیعی» با سخنرانی جناب آقای دکتر شهرام صحرائی، عضو هیات علمی بنیاد دانشنامه جهان اسلام، برپا شد. در این نشست دکتر صحرائی مسائل ذیل را مورد بحث قرار دادند:

تحدید واژگان کلمه ی قیام و شیعیان، ارائه‌ی توضیحاتی درمورد شکل‌گیری مفهوم شیعه اثنی عشری به معنای امروزی در تاریخ، شیعی یا غیر شیعی بودن قیام‌هایی مثل قیام مختار، قیام شهید فخ و ... توضیحاتی درباره ی شیعیان زیدی، کیسانی و حق حکومت از نظر آنها، بررسی قیام امام حسین(ع) و قیام‌های شیعیان تا زمان صفویان و ارائه‌ی همه ی مطالب با تکیه بر اسناد تاریخی.

در یک جمع بندی کلی می‌توان اظهار کرد: منظور از قیام، قیام مسلحانه (اصطلاحاً قیام بالسیف) و منظور از شیعه تنها شیعیان اثنی عشری است. بر این اساس باید گفت به نظر می‌رسد همه‌ی قیام‌های تا پیش از سنه ی ۲۵۰ قمری به دلایل مختلف هرگز مصداق قیام‌های شیعی نبوده است. مهمترین این دلایل آن است که رهبران این قیام‌ها با اینکه در مواردی از سادات و اقوام و خویشان امامان شیعه(ع) بودند ولی در این کار مجاز و مأذون از امامان و تابع و پیرو ایشان نبودند. بسیاری از رجالیان امامی نیز قائل‌اند حرکت‌های مسلحانه‌ی افرادی مانند مختار و نفس زکیه و شهید فخ و مانند ایشان به دستور امامان(ع)





گزارش سخنرانی خانم دکتر فروزان راسخی با موضوع بررسی ریشه‌های زن‌ستیزی در تاریخ فرهنگ و تمدن

روز سه شنبه دهم اردیبهشت ماه سال نود و هشت ساعت ۱۵-۱۳:۳۰، نشستی دیگر در ساختمان خوارزمی، کلاس ۴۰۴، در باب «بررسی ریشه‌های زن‌ستیزی در تاریخ فرهنگ و تمدن» با سخنرانی سرکار خانم دکتر فروزان راسخی، عضو هیات علمی دانشگاه الزهرا تهران، صورت گرفت.

دکتر راسخی در این گردهم‌آیی ضمن معرفی محتوای مقاله خود با عنوان «مقایسه‌ی دیدگاه‌های قرآن و کتاب مقدس درباره‌ی زن (بر اساس داستان آفرینش)» بر مطالب زیر تأکید داشتند:

دیدگاه دینی پیروان قرآن و متن مقدس درباره‌ی زنان، داستان آفرینش به ویژه هبوط انسان، بررسی و تبیین نقش زن در این داستان، نشان دادن وجوه اختلاف و اشتراک در این دو روایت، روشن نمودن ریشه‌های بدبینی و بی‌مهری به زنان در جوامعی که تحت تأثیر روایت کتاب مقدس بوده‌اند و نتایج و لوازم دیدگاه‌های این دو کتاب در اندیشه‌ی پیروانشان.

ایشان اظهار داشتند در یک جمع بندی کلی می‌توان با بررسی داستان خلقت و هبوط در قرآن و کتاب مقدس تفاوت این دو روایت را کاملاً دریافت و به نتایج متفاوتی رسید؛ یعنی آثار فکری و اجتماعی دیدگاهی که در روایت عهد عتیق نسبت به زنان وجود دارد باید با آثار فکری و اجتماعی دیدگاهی که در روایت قرآن ملاحظه می‌شود متفاوت باشد. اما با کمال شگفتی می‌توان ردپای دیدگاه کتاب مقدس درباره‌ی زن را در آثار برخی متفکرین و عالمان مسلمان پیگیری کرد. این عالمان با نادیده گرفتن نکات و ظرایفی که در داستان آدم و حوا در قرآن دیده می‌شود، عملاً همان روایت مخدوش کتاب مقدس را مبنای آراء و نظریاتشان درباره‌ی زنان قرار داده و در این مورد کاملاً تحت تأثیر دیدگاه‌های رایج عرفی و اجتماعی زمان خود بوده‌اند. همین نظر، اتخاذ شده از کتاب مقدس است که زنان را به جرم فساد، از فعالیت‌های معنوی و مادی محروم می‌کند و عملاً آنان را از متن زندگانی به حاشیه می‌راند.



مجله انجمن علمی تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه الزهراء(س) به صورت فصلنامه منتشر می‌شود. این مجله، به منظور بهبود جایگاه تاریخ فرهنگی و تمدن ملل اسلامی، در نظر دارد از کلیه علاقه مندان، محققین و دانشجویان این رشته دعوت نماید تا مقالات پژوهشی، ترویجی و یا مطالب مرتبط شما را در این نشریه چاپ نماید. بدین منظور از کلیه شما دوستان تقاضا می‌گردد در صورت تمایل، مطالب و یا مقالات خود را به نشانی صندوق الکترونیکی مجله ارسال نمایید.

لطفا هنگام ارسال مطالب به رعایت نکات زیر نیز توجه فرمایید:

۱. مقالات باید در قالب نرم افزار میکروسافت آفیس ۲۰۰۷ و با فونت *B Nazanin* باشد و از طریق آنلاین در تارنمای مجله ثبت یا به نشانی رایانامه مجله ارسال شود.
۲. در مقاله ارسالی در صورتی که از اصطلاحات زبان خارجی استفاده شده است باید اصل کلمات به زبان اصلی در داخل پرانتز یا زیرنویس اضافه شود.
۳. مجله حق هر گونه اصلاح در ساختار و متن مقالات دریافتی را برای خود محفوظ نگه می‌دارد.
۴. چاپ مقاله‌ای که قبلاً در همایش‌ها به صورت سخنرانی یا پوستر ارائه و در خلاصه مقالات، منتشر شده است، بلامانع می‌باشد.
۵. تمامی مقالات محرمانه بوده و توسط افراد صاحب تجربه (اساتید این رشته) که توسط سردبیر انتخاب می‌شوند، بررسی می‌گردند. و پس از تایید در مورد چاپ آن توسط هیأت تحریریه تصمیم‌گیری خواهد شد.

در پایان پیشاپیش از همکاری کلیه دانشجویان، محققین و دوستان گرامی که ما را در نیل به اهداف این نشریه یاری می‌نمایند، قدردانی می‌کنیم.



دانشگاه الزهراء